

ترجمه عاریتی واژگان قرآنی بجای معادل یابی برای آنها در زبان انگلیسی

مهدی عظیمی هره دشت * _ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

چکیده:

قرآن کریم که عین کلام خداوند متعال می باشد از هر نظر منحصر به فرد است و نمی توان دقیقاً معنی کلام وحی را بوسیله ترجمه ، به زبانهای دیگر انتقال داد. پس اصل بر این است که برای بهتر آشنا شدن با قرآن باید به زبان خود قرآن آنرا فراگرفت . آنچه در این مقاله ارائه می شود ، بر این نکته تأکید دارد که ترجمه قرآن به زبان فارسی تا حدی مقدور است چرا که سخنگویان زبان فارسی مسلمان هستند و دارای همان فرهنگ و اعتقاداتی می باشند که مورد نظر خداوند متعال در قرآن کریم می باشد. اما ترجمه قرآن به زبان انگلیسی با معادل یابی کلمات قرآنی در زبان انگلیسی مقدور نیست چونکه سخنگویان زبان انگلیسی مسلمان نیستند و معتقد به آنچه در قرآن مورد نظر است ، نمی باشند . کلمات قرآنی در دین مبین اسلام معنای واقعی خودشان را پیدا می کنند و بنابراین معادل یابی برای این کلمات در زبانهای مثل زبان انگلیسی کار اشتباهی خواهد بود.

پس در ترجمه قرآن به زبان انگلیسی نباید برای کلمات قرآنی از بین کلمات انگلیسی معادلهایی را انتخاب کرد حتی اگر این معادلهای انگلیسی معانی نزدیک به معانی کلمات قرآنی داشته باشند . بلکه باید آن کلمات قرآنی را بطور عاریتی وارد زبان انگلیسی کرد یعنی آن کلمات را آوا نویسی کرد و آنها را توضیح داد. یعنی معنی و مفهوم آنها را آنطوریکه هدف قرآن است ، بیان نمود . اگر مترجم برای کلمات قرآنی معادلهایی را در زبان انگلیسی انتخاب نماید ، اینکار باعث درک و برداشت غلط در خوانندگان انگلیسی زبان می شود چرا که این خوانندگان در هنگام خواندن متن ترجمه شده قرآن وقتی به کلمات معادل یابی شده در زبان انگلیسی می رسند ، آن کلمات را طبق فرهنگ و اعتقادات خودشان معنی می کنند و به معنی واقعی و قرآنی آنها پی نمی برند. ولی وقتی در هنگام خواندن متن ترجمه شده قرآن ، به کلمات عاریتی می رسند به این نکته پی می برند که این کلمات معادلهای مناسب و دقیقی در زبان انگلیسی ندارند و بنابراین باید معانی

دیگری داشته باشند. اگر مترجم توضیح مناسب و دقیقی از این کلمات عاریتی ارائه بدهد یعنی آن توضیحی را که در قرآن مورد نظر خداوند می باشد ، خوانندگان انگلیسی زبان در هنگام خواندن متن ترجمه شده قرآن ، بدرستی معنی کلام خداوند را خواهند فهمید .

مقدمه :

هر زبانی رابطه مستقیم با فرهنگ ، آداب و اعتقادات سخنگویان آن زبان دارد . البته حوزه ای از زبان وجود دارد که از نظر فرهنگی بار فرهنگی ندارد مانند حوزه ای از زبان که مربوط به علمی مثل ریاضیات ، پزشکی ، فیزیک ، شیمی و غیره می شود . دلیل بار فرهنگی نداشتن ، ترجمه متون این علوم از زبانی به زبان دیگر بسادگی صورت می گیرد. بعنوان مثال، در علم پزشکی در زبان انگلیسی واژه « cancer » همان معنایی را دارد که معادل آن یعنی واژه « سرطان » در زبان فارسی دارد . اما حوزه ای از زبان وجود دارد که بار فرهنگی غنی دارد و کلمات در این حوزه از زبان با توجه به فرهنگ ، آداب ، نگرشها و اعتقادات سخنگویان آن زبان معنی پیدا می کنند . ترجمه این قبیل کلمات از زبانی به زبان دیگر مقدور نیست مگر اینکه سخنگویان دو زبان دارای فرهنگ و اعتقادات یکسانی باشند . بعنوان مثال، کلمه « صلواه » در زبان عربی و کلمه نماز در زبان فارسی دارای یک معنی هستند.

پس هر اندازه فرهنگ سخنگویان دو زبان مثل فرهنگ سخنگویان زبان عربی و فرهنگ سخنگویان زبان فارسی به هم نزدیکتر باشد ، به همان اندازه ترجمه از یکی از این زبانها به دیگری آسانتر می شود و بالعکس یعنی هر اندازه فرهنگ سخنگویان دو زبان از هم دور باشد مثل فرهنگ سخنگویان زبان عربی و فرهنگ سخنگویان زبان انگلیسی ، به همان اندازه ترجمه از یکی از این زبانها به دیگری مشکل تر می شود تا جائیکه به محدوده ترجمه ناپذیری می رسیم .

منظور از شعر فوق که از مثنوی مولوی انتخاب شده است این است که اگر هندو و ترک همزبان باشند یعنی دارای دیدگاهها ، نظرات و اعتقادات یکسانی باشند و در واقع بقول مولوی همدل باشند ، ترجمه از یکی از این زبانها به دیگری آسانتر می شود ولی اگر دو ترک که ظاهراً دارای یک زبان هستند ، دارای دیدگاهها ، عقاید و اعتقادات متفاوتی باشند ، در واقع همدل نیستند و حتی بدون اینکه ترجمه ای در کار باشد، آنها زبان زبان همدیگر را نخواهند فهمید .

زبان بعنوان نظام قراردادی :

زبان عبارت است از مجموعه ای از قراردادهای که سخنگویان زبان آن قراردادهای را پذیرفته اند و آن قراردادهای دارای نظامی هستند که در چارچوب آن زبان کارکرد دارند. منظور از قراردادی بودن زبان این است که رابطه بین صورت زبانی و معنی قراردادی می باشد و همین طور ساختار دستوری جملات زبان طبق نظام قراردادی زبان کارکرد دارند. بعنوان مثال ، اگر در زبان فارسی صورت زبانی یا لفظ « صندلی » دارای معنی خاص خود است و به آن شیئی مخصوص اطلاق می شود ، این رابطه بین صورت زبانی یعنی لفظ « صندلی » و معنی آن در جهان خارج قراردادی می باشد زیرا اگر قراردادی نبود و طبیعی بود باید در هر زبانی برای آن معنی همان لفظ « صندلی » بکار می رفت در حالیکه اینطور نیست . مثلاً ، در زبان عربی برای آن معنی لفظ « کرسی » بکار می رود. سخنگویان زبان انگلیسی لفظ « chair » بکار می برند و الی آخر . این الفاظ که جنبه قراردادی دارند ، مهم نیستند . بلکه آنچه که مهم است این است که آن شیئی مخصوص که جهت نشستن بکار می رود ، وجود داشته باشد . اگر به فرض برای سخنگویان یک زبانی آن شیئی مخصوص جهت نشستن وجود نداشته باشد ، در آن زبان ، صورت زبانی یعنی لفظی هم برای آن معنی وجود نخواهد داشت . بنابراین آن معنی را نمی توان به آن زبان انتقال داد چرا که آن معنی برای سخنگویان آن زبان وجود ندارد.

ترجمه عاریتی کلمات قرآنی :

قرآن کریم عین کلام خداوند است و کاملاً واضح است که عین کلام خداوند چه از نظر محتوا و معنی ، چه از نظر سبک و چه از هر نظر دیگر آنقدر زیبا ، شیوا و بلیغ می باشد که نمی توان نظیر آن را بیان کرد . بنابراین برای آشنایی با قرآن بهتر است که به زبان خود قرآن ، آنرا فرا گرفت ، نه از روی ترجمه آن ، چرا که هیچ ترجمه ای از قرآن کریم نمی تواند معنای قرآن را بطور کامل برساند . حال این ترجمه چه به زبان فارسی باشد ، چه به زبان انگلیسی باشد و چه به هر زبان دیگری . منتها در مقام مقایسه ، به این نتیجه می رسیم که انتقال معنای قرآن به زبان فارسی بهتر صورت می گیرد تا انتقال معنای آن به زبان انگلیسی . اگر قرآن را تا حدی می توان بفارسی ترجمه کرد به این دلیل است که سخنگویان زبان فارسی دارای همان اعتقاداتی هستند که در دین اسلام و قرآن وجود دارد . ولی نمی توان قرآن را به زبان انگلیسی ترجمه کرد چرا که سخنگویان زبان انگلیسی معتقد به اسلام و قرآن نیستند و معانی کلماتی چون عصمت ، طهارت ، اخلاص و صدها کلمه دیگر از این نوع در فرهنگ اسلامی معنی و مفهوم اصلی خود را در بین سخنگویان زبان عربی و فارسی که معتقد به اسلام و قرآن هستند ، پیدا می کنند. در فرهنگ و اعتقادات سخنگویان زبان انگلیسی معانی آن کلمات آنطوریکه در اسلام مورد نظر است ، وجود ندارد . پس برای سخنگویان زبان انگلیسی در زبان خودشان کلماتی هم که آن معانی مخصوص قرآنی را داشته باشند ، وجود ندارند.

بعنوان مثال ، آیه شماره ۶ سورة حمد «إِتَاكَ نَعْبُدُ» به فارسی ترجمه شده است : « (تنها) تو را می پرستیم.» و یا حتی می توان ترجمه کرد « (تنها) تو را بندگی می کنیم.» چون سخنگویان زبان فارسی معتقد به اسلام هستند و در زبان فارسی «پرستیدن» یا «بندگی کردن» دارای همان معانی هستند که در آیه قرآن به زبان عربی مورد نظر است . آربری (Arberry) که شرق شناس مشهوری است آیه فوق را به این صورت ترجمه کرده است :

Thee only we serve.

یا مترجم دیگری بنام سیل (Sale) به این صورت ترجمه کرده است :

Thee do we worship.

درست است که کلمه «serve» به معنی «بندگی کردن» است و کلمه «worship» به معنی «پرستیدن» ، ولی نکته مهم این است که «پرستیدن» و «بندگی کردن» در زبان فارسی می توانند هم معنی واژه «عباده» در زبان عربی باشند بدلیل یکسانی فرهنگ و اعتقادات سخنگویان این دو زبان . اما باید به این نکته توجه داشت که کلمات «serve» و «worship» با توجه به اعتقادات خود آنها معنی و مفهوم پیدا می کنند و اعتقادات آنها مختلف از اعتقادات سخنگویان زبان عربی است .

بعنوان یک مثال دیگر ، آیه « وَ اذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيْرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ » بفارسی ترجمه شده است: « و خدا را بسیار یاد کنید ، شاید رستگار شوید » .

باز کلمات «خدا» و «رستگاری» همان معنایی را در زبان فارسی دارند که کلمات «الله» و «فلاح» در زبان عربی دارند . دلیلش هم همانطوریکه ذکر شد، یکسانی اعتقادات سخنگویان این دو زبان می باشد .

آربری آیه فوق را چنین ترجمه کرده است :

“And remember God frequently; haply you will prosper.”

سیل هم ترجمه کرده است :

“And remember God frequently; that ye may prosper.”

صرف نظر از اختلافات جزئی که این دو ترجمه انگلیسی با هم دارند، هر دو مترجم خداوند را به «God» و رستگاری را به «prosper» ترجمه کرده اند که باز چون سخنگویان زبان انگلیسی «God» و «prosper» را طبق اعتقادات خودشان معنی می کنند، پس انتقال معنایی بدرستی صورت نگرفته است یا بهتر اینکه اساساً معانی این کلمات مانند معانی بسیاری از کلمات دیگر قابل انتقال به زبان انگلیسی نیست.

همه پژوهشگران، صاحب نظران و مترجمان بر این نکته اتفاق نظر دارند که باید معنی از زبان مبدأ که در اینجا زبان عربی است، به زبان مقصد که در اینجا زبان های فارسی و انگلیسی هستند، انتقال داده شود. چون همانطوریکه بیان شد، نمی توان بوسیله معادل یابی در زبان انگلیسی، معانی کلمات قرآنی را به زبان انگلیسی انتقال داد. عده ای از مترجمان این لغات را ترجمه نکرده اند. بلکه آنها را بصورت عاریتی وارد زبان انگلیسی کرده اند. ولی چون سخنگویان زبان انگلیسی معانی آن کلمات عاریتی را نمی دانند، آنها را توضیح داده اند.

عده دیگری از مترجمان، ترجمه ادغامی انجام داده اند. یعنی ریشه کلمات را از زبان عربی وارد زبان انگلیسی کرده اند ولی اشکال مختلف آن ریشه ها را طبق الگوی دستوری زبان انگلیسی انجام داده اند. بعنوان مثال، کلمه «آیه» را ترجمه نکرده اند. بلکه آنرا بصورت عاریتی وارد زبان انگلیسی کرده اند. و بصورت «Ayah» آوا نویسی کرده اند. واژه «آیه» اسم مفرد است و در قرآن بصورت جمع هم یعنی «آیات» بکار رفته است. وقتی مترجم به جمع کلمه «آیه» در متن عربی می رسد آنرا طبق الگوی دستور زبان انگلیسی جمع می بندد. یعنی به کلمه عاریتی «Ayah» در زبان انگلیسی پسوند «□» جمع ساز اضافه می کند و کلمه تبدیل می شود به «Ayahs» که به معنی «آیات» است.

نتیجه گیری:

چون فرهنگ و اعتقادات سخنگویان زبان فارسی یکسان با فرهنگ و اعتقادات سخنگویان زبان عربی می باشد، پس ترجمه قرآن به فارسی از طریق معادل یابی کلمات قرآنی در زبان فارسی میسر می باشد. ولی بدلیل عدم وجود معانی کلمات قرآنی در زبان انگلیسی، نمی توان برای کلمات قرآنی، معادلهایی را در زبان انگلیسی پیدا کرد. آن مترجمانی که معادل یابی کرده اند، انتقال معانی را به زبان انگلیسی بدرستی انجام نداده اند و باعث شده اند که خوانندگان انگلیسی زبان آن ترجمه ها، بدرستی معانی قرآن را درک نکنند. گروه دیگری از مترجمان به این مشکل پی برده اند و واژگان قرآن را ترجمه نکرده اند بلکه آنها را بصورت عاریتی بوسیله آوا نویسی وارد زبان انگلیسی کرده اند و سپس آن کلمات عاریتی را توضیح داده اند که این کار باعث می شود تا خوانندگان انگلیسی زبان با مراجعه به توضیحات کلمات عاریتی، بهتر معنای قرآن را درک نمایند. عده دیگری هم ترجمه ادغامی انجام داده اند. یعنی ریشه کلمه را وارد زبان انگلیسی کرده اند ولی اشکال مختلف کلمه را طبق دستور زبان انگلیسی ساخته اند. ترجمه ادغامی هم می تواند به درک صحیح قرآن رهنمون شود. انشاء الله که همه مردم جهان بتوانند بدرستی به معنی کلام خداوند پی ببرند و سرلوحه کارشان قرار دهند. به امید آرزو.

منابع فارسی :

- الهی قمشه ای ، حسین : بررسی ترجمه انگلیسی متون اسلامی (۲) ، انتشارات سمت ، تهران ، ۱۳۷۰ .
- لطفی پورساعدی ، کاظم : درآمدی به اصول و روش ترجمه ، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی ، تهران ، ۱۳۷۴ .
- مهرین شوشتری ، عباس : فرهنگ لغات قرآن ، انتشارات گنجینه ، تهران .
- یارمحمدی ، لطف ... : شانزده مقاله در زبانشناسی کاربردی و ترجمه ، انتشارات نوید ، شیراز ، ۱۳۷۲ .

منابع انگلیسی:

- Arberry, A. J.: The Koran Interpreted, Oxford University Press, London, 1972.
- Hornby, A. S.: Oxford Advanced Learner's Dictionary of Current English, J. Crowther ed, Oxford University Press, London, 1999.
- Manafi, A. S.: A Study of Islamic Texts in English Translation, SAMT Publication, Tehran, 1989.
- Miremadi, Seyed Ali: Theories of Translation and Interpretation, SAMT Publication, Tehran, 1991.
- Sale, George: The Koran (Translated into English), London.
- The Roots of Religion, Dar Rah-e-Haq Publication, Tehran, 1995.